

تحلیل عناصر هویت فرهنگی فردی - زمینه‌ای در تکوین و پایداری هویت قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی^۱

اکرم سلطان‌پور اُشتی‌ینی*

مهرداد عربستانی**، باقر ساروخانی***

چکیده

هدف مقاله حاضر تحلیل عناصر هویت فرهنگی فردی - زمینه‌ای در تکوین و پایداری هویت قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی است. روش تحقیق به صورت کیفی و مصاحبه با ۲۲ نفر از خبرگان ترک‌های آذربایجان ایرانی ساکن در شهر تهران و مراکز استان‌های ترک‌زبان به روش گلوله برفی در سال ۱۳۹۹ صورت پذیرفت. جهت اعتبارسنجی مضامین مصاحبه‌ها؛ دو مرحله متوالی از نظرسنجی با خبرگان استفاده شد. بر اساس روش «تحلیل مضمون» حاصل از مصاحبه؛ از بین ۱۴۴ مضمون، ۷۴ کد طبقه‌بندی شده، ۱۲ مضمون فرعی و چهار مضمون اصلی شناسایی شد. این چهار مضمون شامل ۱. جغرافیا ۲. زبان ۳. نگرش فردی ۴. ویژگی‌های زیستی هستند که شاخص‌های آنها به عنوان عناصر هویت فرهنگی فردی - زمینه‌ای در تکوین و پایداری هویت قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی شناسایی شدند. در نتیجه عناصر شناسایی شده، عمده‌ترین ویژگی‌های تکوین هویت قوم

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشکده ادبیات علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران، ganji_researcher@yahoo.com

** دانشیار گروه انسان‌شناسی دانشگاه تهران، دانشیار مدعو دانشکده ادبیات و علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، m.arabestani@ut.ac.ir

*** استاد، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران، b.saroukhani@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۴



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

ترک‌های آذربایجان ایرانی بوده و تداوم و همزمانی آنها منجر به پایداری هویت قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی گشته است.

کلیدواژه‌ها: هویت فرهنگی، تکوین، پایداری، قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی.

۱. مقدمه

هنگامی که از هویت صحبت می‌شود، باید توجه داشت که هویت یک مفهوم تاریخ‌مند است و برای ساختن هویت، استراتژی‌های متفاوتی در بسترها و اقلیم‌های متفاوت مطرح می‌شود. هویت‌ها مطلق نیستند (میری، ۱۳۹۹: ۷۷). هویت، شرط لازم زندگی اجتماعی است و بدون چارچوبی برای تعیین هویت اجتماعی، انسانها نمی‌توانند به صورتی معنادار و پایدار با یکدیگر ارتباط برقرار کنند (گل محمدی، ۱۳۸۳: ۲۴۸). برخلاف آنچه که تلقی می‌شود، هویت ایرانی از ابتدا تا انتها هویتی واحد نبوده و ایرانی‌ها یک ژن خاص نداشته‌اند که این ژن در طول تاریخ یکسان و بدون تغییر و تحول بوده باشد؛ بلکه هویت، موضوعی تاریخ‌مند و اقلیم‌محور است. هنگام سخن گفتن از بازسازی هویت ملی ایرانی، نخستین نکته‌ای که باید مطرح گردد این است که مسأله هویت، یک مسأله ثابت نیست و افزون بر این، انسان و جوامع انسانی نیز موجودات ثابتی نیستند و در واقع همان‌گونه که جامعه ایرانی در حال تغییر است، هویت ملی آن نیز تغییر می‌کند. باید بپذیریم گفتمان‌هایی که وجود دارد، روایت‌های موازی از هویت فردی و جمعی ایرانیان است و این هویت‌های موازی، گاه ممکن است هم‌پوشانی داشته باشند و گاه در تقابل باهم قرار گیرند. اما مسیری که برای تقویت هویت ایرانی می‌توان در نظر گرفت، در حقیقت مسیری به سوی بودن جمعی ماست. باید درباره این مسأله در عرصه عمومی نیز اندیشید؛ چرا که این امر یک بحث صرفاً آکادمیک نیست، بلکه با حوزه سیاست، اجتماع، دین، اقتصاد و فرهنگ و حوزه‌های مختلف اجتماعی در ارتباطی وثیق است. زیرا هم گذشته را دربر می‌گیرد و هم آینده را ترسیم می‌کند و افزون بر این، اکنون ما را نه تنها نسبت به خودمان در درون ایران، بلکه در منطقه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم تعریف می‌کند (میری، ۱۳۹۹: ۷۷-۷۹).

فرهنگ و میراث فرهنگی را میتوان یکی از مهمترین منابع هویت انسانها دانست. افراد و گروه‌ها با توسل به اجزا و عناصر فرهنگی هویت می‌یابند؛ زیرا این اجزا و عناصر،

توانایی چشمگیری در تأمین نیاز انسانها به ممتاز بودن از دیگران و ادغام شدن در جمع خودی را دارند (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۶۹). برخورداری از هویتی منسجم سبب می شود تا فرد موضع واحدی را نسبت به وقایع و حوادث اطراف خود، با در دست داشتن معیارهای واحد، در پیش بگیرد (صنیع اجلال، ۱۳۸۴: ۱۰۳).

عوامل مختلفی در شکل گیری هویت دخیل هستند همچون؛ فرهنگ، آداب و رسوم، جنسیت و زبان (Davis, 2017: 486). مهمترین عامل در این زمینه بدون شک زبان است که به مثابه‌ی نه تنها ابزار ارتباط اصلی، بلکه ابزار اجتماعی شدن افراد و ابزار اصلی اندیشیدن و مرکز پردازش داده های دریافتی از جهان بیرونی و به مادیت درآوردن آنها از طریق نظام شناختی عمل می کند.

عامل بسیار مهم دیگر، مذهب است؛ مذهب نظام اعتقادی است که خود الگوی مشخصی برای فرد به وجود می آورد. مطهری از منظر منطق فهم دین و مذهب به مقولاتی هم چون ملیت و قومیت می نگرد و ادعایش این است که این مفاهیم در «جعل» فاقد اعتبار است (میری، ۱۳۹۹: ۸۵).

با توجه به تحولات سریع و گسترده در نظام جهانی، در دهه های پایانی قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم، طرح سوال ها و مباحثی در باب هویت فرهنگی و ابعاد مختلف آن، آینده‌ی هویتی جوامع در ابعاد متفاوت آن و مسائل پیش روی آنها، از جمله نیازهای اساسی و ضروری هر جامعه ای به نظر می رسد. پرداختن به وضعیت موجود ابعاد فرهنگی هویت در جامعه، تا حدودی نمایی کلی از هویت را به ما نشان می دهد؛ چرا که این نوع هویت دربرگیرنده‌ی اساسی ترین عناصر هویتی افراد هر جامعه به حساب می آید (گل محمدی، ۱۳۸۰). واژه‌ی هویت فرهنگی (Cultural Identity) به ادراک فرد از خودش گفته می شود که با عضویت رسمی و غیررسمی در گروه هایی بدست می آید که به انتقال و تلقین دانش، عقاید، ارزش ها، نگرش ها، سنت ها و روش های زندگی می پردازد (Kim, 2002). در حقیقت هویت فرهنگی شامل چشم اندازهای تاریخی با تمرکز بر انتقال دانش و ارزش ها بین نسل های متفاوت می باشد (Jameson, 2007: 207).

چگونگی و ابزار ساخت هویت فرهنگی، عمدتاً از خلال فرایندهای آموزش غیررسمی (خانواده و جامعه) و رسمی (نظام آموزشی) انجام می گیرد. در طول این فرایند، مجموعه گسترده ای از نظام های زبان شناختی، شناختی و بازنمایی وارد عمل می شوند. گروه های

قومی با دارا بودن هویت‌های فرهنگی خاص در ابعاد زمینه‌ای و جمعی در تکوین و پایداری قومیتشان اثرگذارند. در مجموع، هشت شاخص نیاکان واقعی مشترک یا باور به نیاکان اسطوره‌ای، پیشینه تاریخی مشترک، سرزمین مشترک، زبان و مذهب مشترک، فضاهای زیست مشترک، آداب و رسوم مشترک، ارزشهای مشترک، احساس تعلق به یک گروه واحد به عنوان معیار تعیین گروه قومی قلمداد می‌شوند (کریمی، ۱۳۸۷: ۲۰-۱۸). ایرانیت به عنوان عنصری متکثر از اقوام مختلف فهم می‌شود که این اقوام همچون فرش ایرانی از قطعات کوچکی تشکیل یافته و در طراحی موزون همدیگر را تکمیل می‌کنند (میری، ۱۳۹۹: ۷۰).

در مفهوم جامعه‌شناختی، قومیت یکی از مؤلفه‌های بنیادین در فهم مفهوم ملیت در بستر معاصر محسوب می‌گردد (میری، ۱۳۹۹: ۸۶). بنابراین گروه قومی عبارت است از مردمی که در نتیجه میراث فرهنگی مشترک خود، از نظر اجتماعی متمایز محسوب می‌شوند (کریمی، ۱۳۸۷: ۲۰-۱۸). از نظر میری (۱۳۹۹)

قومیت، مفهومی یگانه نیست؛ بلکه این مفهوم در کنار شاخصه‌های جامعه‌شناختی دیگری فهم و مفهوم‌سازی می‌گردد که شامل جنسیت، زبان، دین، نژاد، مذهب، درآمد، تحصیلات، شهر، روستا، کلاشهر، طبقه و منزلت می‌باشد که در یک مجموعه کامل می‌توانند شخصیت یک فرد را در فردیت‌اش و در ارتباط با جامعه قابل توضیح کنند (ص ۸۵).

اگر در یک فضای علمی به فرهنگ، زبان و ادب در ایران اندیشیده شود، در می‌یابیم که فرهنگ ایران فرهنگی تک‌زبانی، تک‌قومی یا غیرمتکثر نیست. اساساً هر فرهنگی مؤلفه‌های مختلف و متنوعی دارد و یکی از مهمترین مؤلفه‌های هر فرهنگ، زبان است (میری، ۱۳۹۹: ۹۱). توجه به نکته ظریفی که لازم است، اینست که آنچه گروه‌های قومی - فرهنگی را از یک‌دیگر جدا می‌کند، در وهله اول، تفاوت فرهنگی نیست؛ بلکه اراده متمایز ساختن خویش و به کار گرفتن برخی ویژگی‌های فرهنگی به عنوان مشخص‌کننده هویت ویژه خویش بالانحص در بعد زمینه‌ای است (کوش، ۱۳۸۱: ۱۶۲).

مطهری در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران به مسئله‌ی تنوع زبانی می‌پردازد و مسئله تکثر زبان‌ها را از منظر فرهنگی و ذوق مفهوم‌سازی می‌کند. تنوع زبانی از دید مطهری نه تنها

تهدید نیست، بلکه یک فرصت زیباشناختی (امر ذوقی) است و زمینه‌های رشد آن را باید فراهم کرد (مطهری، ۱۳۹۶: ۱۰۲).

یکی از ریشه دارترین قومیت‌ها در ایران، قومیت ترک‌های آذربایجان ایرانی می‌باشد. ریشه‌ی شکل‌گیری قوم‌گرایی ترک‌های آذربایجان ایرانی در ایران به دهه ۳۰ و ظهور جنبش تجزیه طلبانه‌ی فرقه دموکرات آذربایجان به رهبری پیشه‌وری و عمال شوروی برمی‌گردد (طالبی و عیوضی، ۱۳۹۲). علی‌رغم این گرایش‌ها، جغرافیای انسانی آذربایجان در سطح کلان بیانگر حضور قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی با ویژگی‌های قومی، زبانی و فرهنگی خاص خود بوده که در عین دارا بودن تمایزات و تفاوت‌های ویژه، برخوردار از شاکله‌ی فرهنگ ملی می‌باشند که به تعبیر جنکینز (۱۳۹۱) در عین تفاوت‌ها با همدیگر، دارای تشابهاتی نیز می‌باشند.

جلال آل احمد «زبان ترکی» را به مثابه‌ی یک «محمل تمدنی» در تحکیم ایرانیت، بسیار کلیدی می‌داند (آل احمد، ۱۳۹۵: ۴۱۲-۴۱۳). در واقع زبان ترکی برای جلال آل احمد، زبان فرهنگ و ادب است و آنچه این زبان را «از حوزه فرهنگ و مدرسه اخراج کرده است» (آل احمد، ۱۳۹۵: ۴۱۶)؛ چیزی نیست جز سیاست‌گذاری‌های حاکمیتی که نتیجه‌ی «سوء استعمار فرهنگی» در دوران پهلوی بود که منجر به کشته شدن «فرهنگ ترکی در حوزه‌ی آذربایجان» گردید (آل احمد، ۱۳۹۵: ۴۲۳).

اگر انفکاک‌ها و گسست‌هایی را که از ابتلای انقلاب اسلامی میان عرق ملی یا قومی یا بعضاً عرق مذهبی و دینی به وجود آمده است، مورد مطالعه قرار بدهیم، درمی‌یابیم که در میثاق ملی سال ۱۳۵۸ که ذیل قانون اساسی تدوین شد، مسأله قومیت‌ها و مذاهب مختلف به رسمیت شناخته شد و جنگ تحمیلی بزنگاهی بود که بسیاری از اقوام، مذاهب و ادیان مختلف در برابر دشمن خارجی یک عرق ملی را به نمایش گذاشتند. علی‌رغم اینکه از منظر قانونی قومیت‌ها، زبان‌های قومی، ادیان و مذاهب مختلف به رسمیت شناخته می‌شدند؛ اما در عمل برای بالفعل کردن ظرفیت‌های آنها اساساً گام مؤثری برداشته نمی‌شد. یا گام‌ها با تأخیر بسیاری همراه بود. مجموع این تأخیرها و سدهایی که در برابر موضوعات مهم اجتماعی ایجاد شد، موجب گشت که مطالبات شهروندی و اجتماعی رنگ و بویی دیگر به خود بگیرند. هنگامی که مطالبات اجتماعی در مرکز سرکوب شوند، گریز از مرکز ایجاد می‌شود و شکاف میان مرکز و حاشیه بروز کند (میری، ۱۳۹۹: ۸۷). این

شکاف یکی از مسائل و معضلات اجتماعی و فرهنگی قومیت‌های مختلف در دوره‌های تاریخی بوده است. تلاش قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی برای یکپارچه ساختن ابعاد هویتی و بازگرداندن هویت‌های از دست رفته با مقاومت‌هایی روبه‌رو می‌شود که گویا در پی گسستن ابعاد هویتی این قوم است و این مسئله یکی از مهمترین چالش‌های فرهنگی استان‌های ترک آذربایجان ایرانی شده است. اما به نظر می‌رسد تاکنون در طرح و بررسی این مسئله اجتماعی و ارزیابی شواهد ناشی از آن، بررسی چندان دقیق و عینی صورت نگرفته و کمتر توجهی به جهات عمیق این مسئله، صورت گرفته است. به عبارتی طرح و مطالعه مسئله انسجام قومی در ایران و به ویژه مطالعه درباره‌ی هویت قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی، بیشتر دچار کلی‌گویی و تکرار شده است. این بدان دلیل است که در ادبیات این موضوع خلأ تحقیقات تجربی و بررسی‌های جامعه‌شناختی به‌وضوح دیده می‌شود و البته ناگفته پیداست در شرایط فقدان اینگونه مطالعات، بررسی و ارزیابی فرضیه‌های مربوط به هویت فرهنگی قومی در شرایط کنونی و آینده، به‌سختی امکان پذیر خواهد بود. با وجود این موضوع و فقر مطالعاتی در این خصوص، مطالعه حاضر در پی شناسایی و تحلیل عناصر هویت فرهنگی فردی و زمینه‌ای در تکوین و پایداری قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی می‌باشد. به نظر می‌آید بررسی مسئله تکوین هویت فرهنگی بدون تأمل در سطح خرد و نیز بدون سنجش هویت فردی-زمینه‌ای فرهنگی یک قومیت امکان پذیر نیست. چرا که در نهایت موضوع همگرایی (یا بالعکس واگرایی) جز با مطالعه ویژگی‌های فردی-زمینه‌ای مانند جنسیت، جغرافیا، زبان، نگرش و ویژگی‌های زیستی کنش‌گران و آن‌هم بر مبنای برداشت‌ها، تعاریف، تفاسیر و در کل هویت‌هایی که خود را بدان وسیله شناسایی و تشخیص می‌دهند، امکان پذیر نمی‌باشد. هویت فردی-زمینه‌ای همان هویت کسب شده فرد در یک قوم به اقتضاء محیط جغرافیایی که در آن متولد شده، زبان و گویش، ویژگی‌های زیستی که از قوم و گروه کسب می‌کند؛ می‌باشد. براین اساس باید گفت یکی از مناسب‌ترین استراتژی‌های روش‌شناختی برای بررسی هویت قومی، مطالعات پیرامون مناسبات تکوین و پایداری هویت فرهنگی قومی در میان اقوام ترک‌های آذربایجان ایرانی می‌باشد و این مهم، موضوع نوشتار حاضر است. در واقع؛ سؤال اصلی در این مقاله آن است که عناصر هویت فرهنگی فردی-زمینه‌ای در تکوین و پایداری هویت قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی کدامند؟

۲. پیشینه تجربی پژوهش

علی‌رغم مطالعات گسترده‌ای که در خصوص هویت فرهنگی و اجتماعی در ایران و همچنین مطالعه در خصوص قومیت‌های مختلف از جمله قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی انجام گرفته است؛ اما تحقیق مشابهی که در خصوص شناسایی و تحلیل هویت فرهنگی اقوام کشور به صورت تجربی صورت گرفته باشد، یافت نشد. در نتیجه پیشینه‌ای مرتبط در این خصوص انجام نشده است. اکثر قریب به اتفاق تحقیقات قومیتی انجام گرفته در خصوص تشابهات یا تمایزات قومیت‌های مختلف در کشور و تلاش برای انسجام و وحدت ملی در کشور و یا نقش عناصر هویتی فرهنگی همچون جغرافیا، زبان و دین در ایجاد وحدت ملی و همچنین نقش جهانی شدن و حضور شبکه‌های مجازی در هویت‌یابی فرهنگی قوم‌های مختلف انجام شده است. در ادامه به اهم پیشینه‌های مزبور اشاره می‌گردد.

عبدالمطلب (۱۳۹۵) در بررسی میزان توجه به مولفه‌های هویت قومی و ملی بین دانشجویان کرد و ترک در دانشگاه‌های تهران به چندبعدی بودن مولفه‌های هویتی افراد دست یافت. پاسخ‌های ارائه شده از سوی دانشجویان کرد و ترک به روشنی حاکی از اهمیت دادن آنها به بعد قومی هویت خویش بود که میانگین هویت قومی ترک ایرانی‌ها بیش از کردها اعلام شد. مرادی (۱۳۹۴) در بررسی هویت فرهنگی اقوام ایرانی و تاثیر آن بر هویت ملی و انسجام ملی ایرانیان نشان داد، ایران کشوری متشکل از اقوام و فرهنگ‌های مختلف است که با توجه به تکثر و تنوع فرهنگی حاکم بر فضای فرهنگی آن نمی‌توان نقش موثر اقوام و هویت فرهنگی و قومی آنها را در شکل دهی به هویت فرهنگی، هویت ملی و انسجام ملی ایرانیان نادیده گرفت.

اما تحقیقاتی نیز انجام شده است که مهمترین عناصر هویت فرهنگی در قومیت‌ها را شناسایی کرده‌اند. مرتبط‌ترین تحقیق با نوشتار حاضر؛ نتایج تحقیقات (Jameson, 2007) در خصوص مفهوم سازی مجدد هویت فرهنگی و نقش آن در ارتباطات تجاری بین فرهنگی می‌باشد. وی نشان داد هویت فرهنگی حس فرد درباره خویشتن است که ناشی از عضویت رسمی و غیررسمی در گروه‌ها می‌باشد و انتقال و درک دانش، باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، سنت‌ها، و روش‌های زندگی را بدنبال دارد. مفهوم گسترده هویت فرهنگی بایستی بین مولفه‌های مربوط به حرفه، طبقه اجتماعی، جغرافیا، فلسفه، زبان، و جنبه‌های اجتماعی زیست‌شناسی توازن برقرار کند. هویت فرهنگی در طول زمان تغییر می‌کند و

موجب برانگیخته شدن احساسات می‌شود. در همین زمینه، آشنا و روحانی (۱۳۸۹) تحقیقی انجام داده و به بررسی هویت فرهنگی ایرانیان پرداختند. نتایج ایشان نشان داد، مولفه‌های اصلی هویت فرهنگی ایرانیان در پنج حوزه دیانت، زبان، جغرافیای فرهنگی، تاریخ و حافظه‌ی فرهنگی و نظام اجتماعی تحلیل می‌شود. در تحقیقی که Balasubramanian (2018) به بررسی مبانی جغرافیای فرهنگی پرداخت، نتایج نشان داد: بررسی فرهنگ اقوام مختلف با فرهنگ خاص قوم خود، درک افراد را از دنیای خود بالاتر می‌برد. فضا و قلمرو، بخشی از جغرافیای فرهنگی به شمار می‌روند که تحلیل مناسب آن باعث می‌شود ارزش‌ها و هویت مشترک بین اقوام را به خوبی شناسایی کنیم. نتایج تحقیق (Hassen 2016) در بررسی زبان به عنوان شاخصی از هویت، قدرت، هم‌بستگی و احساسات در جوامع چندفرهنگی نشان داد که اقوام، با استفاده از زبان، هویت دینی و زبانی خود را می‌توانند بازسازی کنند. Owen (2011) نیز در بررسی زبان و هویت فرهنگی نشان داده است که زبان، به عنوان ویژگی برجسته‌ای در شناسایی هویت اقوام به‌شمار می‌رود.

Onyeka Chukwu (2019) در بررسی برقراری همزیستی بین جهانی سازی فرهنگ و استفاده از ارزش‌های فرهنگی در کشور نیجریه نشان داد کلیه رفتارها و اقدامات بشری توسط ارزش‌های فرهنگی هدایت و تعیین می‌شوند. در جهان مدرن امروز، ارزش‌های فرهنگی جایگاه خود را نسبتاً از دست داده و رو به زوال می‌روند. در واقع، جهانی‌سازی فرهنگ اثرات مثبت و منفی متعددی در بین اقوام مختلف در کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه نیجریه بر جای می‌گذارد. با این حال می‌توان به کمک رسانه‌های و شبکه‌های اجتماعی به احیای ارزش‌های فرهنگی در حال زوال و نابودی پرداخت. در حقیقت با ادامه نقش جهانی شدن و استفاده از اینترنت و شبکه‌های مجازی، روشهای تکوین و پایداری هویت قومی نیز تغییر یافته است و عناصر فرهنگی سنتی و جدید قومیت‌ها در کنار هم هویت فرهنگی آن قوم‌ها را تشکیل می‌دهد.

۳. پیشینه نظری و چهارچوب مفهومی پژوهش

از نظر جامعه‌شناسی، گروه قومی عبارت است از مردمی که در نتیجه‌ی میراث فرهنگی مشترک خود، از نظر اجتماعی متمایز محسوب می‌شوند. هیچ گروه قومی دارای

ویژگی‌های ذاتی و فطری نیست، بلکه این ویژگی‌ها را از طریق جامعه‌پذیری در محیط خاص خود به دست می‌آورد (کریمی، ۱۳۸۸: ۱۸). قومیت، رفتارها و چشم‌اندازهای فرهنگی است که سبب تمایز یک اجتماع از سایر اجتماعات دیگر می‌شود و اعضای یک قوم خصوصیات فرهنگی خود را متمایز از دیگران می‌بیند. مهمترین خصوصیات قومی که آن را از دیگر گروه‌ها متفاوت می‌سازد، عبارتند از: زبان، تاریخ، تبار، مذهب، سبک لباس پوشیدن و نوع زینت کردن. این تفاوت‌های فرهنگی، آموختنی هستند (گیدنز، ۱۳۹۷: ۲۶۰). از این روست که هویت قومی یکی از عوامل شکل‌دهنده به هویت فرهنگی هر جامعه است (محسنی، ۱۳۸۶: ۲۱۸). و بنا به تعبیر گیدنز:

هویت قومی به دیدگاه‌ها و شیوه‌های عمل فرهنگی گفته می‌شود که اجتماع معینی از مردم را متمایز می‌کند. اعضای گروه‌های قومی خود را از نظر فرهنگی متمایز از گروه‌بندی‌های دیگر در جامعه می‌دانند و دیگران نیز آنها را همین‌گونه می‌دانند (گیدنز، ۱۳۹۷: ۲۷۸).

یکی از مؤلفه‌ها یا شاخصه‌هایی که مسأله قومیت‌ها را از هم متمایز می‌سازد، مسأله زبان است (میری، ۱۳۹۹: ۹۲). وقتی که از ترکیت سخن می‌گوییم به دو گروه می‌توانیم نظر داشته باشیم، گروه نخست کسانی هستند که در استان‌های شمال غربی به عنوان تُرک‌ها زندگی می‌کنند و گروه دوم کسانی هستند که در خراسان، بوشهر و دیگر مناطق زندگی می‌کنند، اما در نظام ذهنی و زبانی خود از ترکیت تأثیر پذیرفته‌اند. پس از دوران پهلوی، نهضتی در ایران ایجاد شد تا زبان فارسی را از عناصر تُرکی و عربی پاک کنند. برای مثال تغییر عناوین نظامی از درجاتی مانند اُن‌باشی، یوزباشی و مین‌باشی در همین راستا بود؛ گویی زبان تُرکی، زبانی غیر و بیگانه‌است و باید در برابر این غیر از خودمان دفاع کرده و آن را مانند عربی به کنار گذاشته و بدین ترتیب زبان خود را احیاء کنیم. اگرچه این اقدام در زمان محمدرضا شاه فروکش کرد و پس از انقلاب بسیار کم‌رنگ شد، اما همچنین در سیاست‌گذاری و نگاه معماران فرهنگی ایران به مقوله زبان، رگه‌هایی از این تفکر وجود دارد (میری، ۱۳۹۹: ۹۶-۹۷).

برخی از محققان معتقدند که مردم آذربایجان به زبان تُرکی صحبت نمی‌کنند، چندی پیش هم‌رنگ (۱۳۹۵) در روزنامه شرق نوشته بود:

در زبان کنونی آذربایجان منطق فکری که به عنوان پس زمینه ذهنی گویش‌وران کارکرد دارد، از یک چهارچوب هند و اروپایی و ایرانی بهره می‌گیرد نه چیز دیگر، به بیان ساده‌تر نقشه اولیه‌ای که گویش‌وران آذربایجانی برای پیاده‌کردن در ساختمان جمله‌ها و ترکیب‌بندی‌های اسمی و همچنین فعل‌ها و صفت‌ها در گویش روزانه خود به کار می‌برند، به طور کامل با ساختار و اندام‌های جمله‌سازی در زبان‌های هند و اروپایی و زبان‌های ایرانی مطابقت و سازگاری دارد، نه گروه زبان‌های ترکی.

این مطلب حاکی از آن است که زبان مردم آذربایجان ترکی نیست و این نکته بسیار جالبی است؛ چرا که درست نظر محفلی را بیان می‌کند که میری (۱۳۹۹) آن را «محفل آذریون» می‌نامد. این محفل مدعی است که ایران ترکی ندارد. در این محفل اصرار شدیدی است که زبان ترکی را به آذری تقلیل دهند و ادعا کنند که این زبان صرفاً یک «گویش» است؛ درحالی‌که اگر کسی به ترکستان شرقی تا سیبری و آسیای مرکزی و صغیر و حتی شامات و عراق سفر کند، درمی‌یابد که در این نواحی از زبان مشترکی استفاده می‌شود و مخرج مشترک این زبان‌ها واحد است. اگر به چارچوب افعال و صفت‌ها در این زبان نگاه کرده و به مشاهدات میدانی در مناطق یاد شده توجه شود، ملاحظه می‌گردد که زبان در آذربایجان ایران، ترکی است. از آنجاکه برخی در ایران اصرار دارند با رویکردی ایدئولوژیک به زبان نگاه کنند، مسأله زبان را به برخی مسائل فرعی و ایدئولوژیک تقلیل می‌دهند. این جمع اصرار دارند که واقعیتهای اجتماعی را نبینند و یا نادیده انگارند. آنها پیوست فرهنگی را قبول ندارند. باید دانست که این سیاست‌گذاری نیست که قوام ملیت ایران را تضمین می‌کند، بلکه این پیوستگی‌های فرهنگی موجود است که ملیت ایران را شکل می‌دهد (ص ۹۹-۹۸).

جلال آل احمد به عنوان یکی از پیشروترین روشنفکران ایرانی در باب تنوع زبانی و سیاست‌های سرکوب‌گرایانه «یکدست کردن» زبان و آداب مردمان ایران، شش دهه قبل دادسرخن داد و با آنکه در مرکز می‌زیست ولی منطق مرکز-پیرامون را به شدت مورد نقد قرار داد. جلال آل احمد جامعه‌شناس به معنای آکادمیک آن نبود؛ ولی یقیناً جامعه‌شناس به معنای سی رایت میلزی بود؛ یعنی دارای «تخیل جامعه‌شناسی» بود (میری، ۱۳۹۹: ۹۵).

کتاب در خدمت و خیانت روشنفکران یک اثر کلاسیک است و در این اثر بحث «روشنفکری و امرزبانی» یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که جلال آل احمد آن را مفهوم‌سازی کرده است؛ صراحتاً از روشنفکری و گونه‌های زبانی فارسی و ترکی و کردی و

تحلیل عناصر هویت فرهنگی فردی ... (اکرم سلطان پور آشتینی و دیگران) ۹۳

عربی در ایران سخن می‌گوید و حتی تفاوت‌هایی را که این تیپ‌ها در بستر ایران و نسبت با مشروط «مشروطه» دارند، مورد بحث قرار می‌دهد (میری، ۱۳۹۹: ۹۷). جلال آل احمد معتقد است

با توجه به اینکه ملیت‌های چند زبانه در روزگار ما اندک نیست ... و نیز با توجه به این‌که در ایجاد وحدت ملی مردم یک ناحیه‌ی جغرافیایی، عوامل مذهب، تاریخ، آداب، شرایط اقلیمی و بسیاری عوامل دیگر نیز مطرح است و به هر صورت وحشتی نیست که اگر مردم آذربایجان را در به کار بردن ترکی ... که به غلط ... آذری ... اسم‌گذاری کرده‌اند ... آزاد و مختار بگذاریم» (آل احمد، ۱۳۹۵: ۴۱۱-۴۱۰).

با گذشت ۶۰ سال از نقد جلال آل احمد و با وجود وقوع انقلاب اسلامی کماکان مشکلی وجود دارد که در ذیل مفهوم «وحشت از تکثر زبانی» قابل مفهوم‌پردازی است و از قضا جلال آل احمد آن را با نگاه تیزبین خویش شناسایی کرده بود و بر این باور بود که سیاست «اسم‌گذاری غلط» نمی‌تواند «مشکل زبان ترکی» در ایران را حل کند. تمامی هم و غم کسانی که در این صد ساله‌ی اخیر به سیاست‌گذاری‌های سرکوب‌زبانی در ایران روی آوردند، یک پیش‌فرض سترگ داشتند و آن این بود که برای داشتن یک حاکمیت قوی و قدرتمند ما نیازمند «وحدت ملی» هستیم و مبتنی بر مفهوم وحدت ملی (با خوانش اقتدارگرایانه)، سرکوب‌زبان‌های غیررسمی - به ویژه ترکی و عربی - سرلوحه‌ی سیاست‌گذاری‌های دولت‌های پسامشروطه گردید. اما جلال آل احمد با در نظر گرفتن همین دغدغه یعنی دغدغه وحدت ملی، پرسشی را مطرح می‌کند که هنوز بی‌جواب باقی مانده است. او می‌پرسد: «آیا نرسیده است روزی که حکومت ما از سیاست وحدت ملی، مفهوم والاتر و وسیع‌تری را در نظر بیاورد؟ و به صورت‌های برازنده‌تری ... در این زمینه‌ها عمل کند؟» (آل احمد، ۱۳۹۵: ۴۲۲).

در کتاب در خدمت و خیانت روشنفکران، جلال آل احمد بحثی را مطرح می‌کند با عنوان «روشنفکری و مشکل زبان ترکی» که نسبت با وحدت «وحدت ملی» در مستوایی وسیع‌تر هنوز یکی از پرسش‌های محوری در بازخوانی هویت ملی ایران است. البته طرح این پرسش در ۶ دهه‌ی پیش و عدم پاسخگویی روشنفکران ایرانی به این پرسش، خود نشان از این دارد که مسئله‌ی زبان ترکی در مفصل‌بندی هویت ایرانی به عنوان یک «معضل» و نه یک «مسئله» مورد شناسایی قرار گرفته است و از درون این منطق است که حذف

زبان ترکی در عرصه‌ی عمومی ایران به مثابه‌ی یک نقشه‌ی راه سیاست‌گذاری شده است. اما اجازه دهید اول صورت‌بندی جلال آل احمد از «مشکل زبان ترکی» را در نسبت با روشنفکری مورد بازخوانی قرار دهیم و ببینیم استدلال‌ات او بر چه مبانی‌ای استوار است. او نخست به مسئله‌ی دموگرافیک اشاره می‌کند و می‌گوید که «یک سوم جمعیت ایران در حوزه‌ی زبان مادری ترکی به دنیا می‌آیند و در آن حوزه به سر می‌برند (آل احمد، ۱۳۹۵: ۴۱۰-۴۰۹). وی اشاره می‌کند که

این جمعیت از مردم ایران که در حوزه‌ی زبان ترکی قرار دارند، حق ندارند به این زبان مادری در قلمرو هنر و فرهنگ و مطبوعات و ابراز ارتباطی و خدمات اجتماعی سخن بگویند و ناچارند زبان دیگری را به کار ببرند که فارسی است و از حوزه‌ی بالش زبان مادری، به ایشان تحمیل شده است (آل احمد، ۱۳۹۵: ۴۱۰).

جلال آل احمد در فهم امر زبانی و هویت ملی به دیالکتیک «تحمیل زبان فارسی» و «تحریم زبان ترکی» قائل است و از این منظر آسیب‌ها و موانع وحدت ملی در ایران را مورد تدقیق قرار می‌دهد (آل احمد، ۱۳۹۵: ۴۱۰). به نظر می‌آید بحث‌های آل احمد حتی وقتی در باب مسائل سیاسی سخن می‌گوید، از منظر فرهنگی و حتی ادبی است و این ادعا را می‌توان در مفهوم‌سازی او از مفهوم «تحریم ترکی» در نسبت با «تحمیل زبان فارسی» دریافت (میری، ۱۳۹۹: ۱۰۱). مسئله زبان مادری امروز مختص آذربایجان نیست؛ بلکه مقوله‌ای است که بنیان‌های سیاست‌گذاری‌های زبانی و شاکله‌ای فهم ما از ایرانیت را نشانه رفته است و این تمایزی جدی با شیوه‌ی ورود جلال آل احمد به مسئله‌ی زبان دارد (میری، ۱۳۹۹: ۱۱۶). جلال آل احمد یک گزاره کلیدی در ابتدای تحلیل خویش از: «بحران آذربایجان» دارد و می‌گوید: «من اگر اغراق نکرده باشم، می‌خواهم بگویم که صرف‌نظر از دیگر عوامل اقلیمی و جغرافیایی و تأثیر سیاست‌های بین‌المللی، تمام بحران‌های آذربایجان ناشی از مسئله‌ی زبان است» (آل احمد، ۱۳۹۵: ۴۲۳).

در مباحث مربوط به شکل‌گیری هویت قومی سه رویکرد اصلی را می‌توان از یک‌دیگر بازشناخت: ۱) رویکرد دیرینه‌گرا (Primordialism)؛ ۲) رویکرد ابزارگرا (Instrumentalism)؛ و ۳) رویکرد برساخته‌گرا (Constructivism).

Jamseon (2007) معتقد است هویت فرهنگی آن درایتی از خویشتن است که مشتق از عضویت (چه رسمی و چه غیررسمی) در یک گروه اجتماعی بر مبنای انتقال و پرورش دانش، باورها، ارزش ها، نگرش ها، سنت ها و شیوه های زندگی معین مشترک بین اعضا است (ص ۳۵۲).

اسمیت (۱۳۸۳) بیان می کند که از آنجا که هویت قومی، هویتی با محتوای فرهنگی است و شامل عناصری مثل نمادها، اسطوره ها، خاطرات، آداب و مناسک خاص می باشد، بقای این عناصر هویتی را در طول نسلهای متوالی، می توان دلیلی بر پایداری و بقای هویت قومی آنها دانست (ص ۸۴). بقای هویت قومی یک گروه در یک جامعه میزبان، بستگی به عوامل و شرایط مختلفی از جمله شدت و قوت عناصر هویتی قوم اقلیت و سازوکارهایی دارد که باعث ماندگاری آن در برابر فرهنگ اکثریت می شود، همچنین شرایط اجتماعی جامعه میزبان، به بقای عناصر هویتی آنها کمک می کند.

جنکینز (۱۳۹۱) می نویسد: «هویت فردی - زمینه ای، یکی از پدیده های اجتماعی است که بسیاری از جامعه شناسان به عنوان یکی از نشانه های دوران مدرن تلقی کرده اند» (ص ۱۶). ویلیامز جیمز (William James) هویت شخصی را مفهومی می داند که فرد از خود به عنوان یک شخص دارد و این مفهوم ناشی از تجربه ی تداوم و تمایز است: یعنی خود در طی زمان یکسان باقی می ماند و در عین حال از دیگران متمایز است (محسنی، ۱۳۸۵: ۱۲۱). (Jameson (2007) در مقاله ی خود مولفه های هویت فرهنگی فردی - زمینه ای را در شش مؤلفه مشترک بین افراد در گروه ها به شرح زیر مدنظر قرار داده است:

۱. حرفه ی شغلی: رده شغلی، سازمان محل خدمت، زیر مجموعه سازمانی
۲. طبقه/ رده: رده اقتصادی، رده اجتماعی، رده آموزشی
۳. جغرافیا: ملیت، منطقه/ ایالت/ استان یا هویت شهری، تراکم شناسایی (شهری، حومه شهری، شهرک، روستا)، محل اقامت (در صورت تفاوت با ملیت)
۴. نگرش: هویت مذهبی، هویت سیاسی، هویت مبتنی بر فلسفه های دیگر
۵. زبان: زبان اول، لهجه/ گویش، زبان های دیگر
۶. ویژگی های زیست محیطی با جنبه فرهنگی: نژاد، قومیت، جنسیت، تمایلات جنسی، سلامتی، سن (ص ۲۱۱).

لازم به ذکر است که به علت ماهیت کیفی تحقیق، محقق با یک رویکرد نظری خاص و مشخص به بررسی پدیده مورد نظر نپرداخته است، بلکه با تکیه بر مصاحبه‌های عمیق و کیفی به دنبال کشف و درک عناصر فردی-زمینه‌ای هویت فرهنگی در قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی بوده است و ادبیات نظری موضوع به عنوان چهارچوب‌های ارجاعی مورد استناد قرار گرفته است.

۴. روش و ابزار تحقیق

این تحقیق با روش کیفی و با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام گرفته است. نمونه‌های انتخاب شده شامل خبرگان فرهنگی مشتمل بر ترک‌های آذربایجان ایرانی ساکن در شهر تهران و مراکز استان‌های ترک‌زبان آذربایجان ایران در سال ۱۳۹۹ شامل اساتید حوزه فرهنگ قومی، نویسندگان، شعرا، موسیقی‌دانان و .. بود که مصاحبه به صورت رودررو با ایشان در دفتر کار و یا محل کار آنها انجام شد. به عبارتی انتخاب نمونه‌ها براساس مدل نمونه‌گیری هدفمند از نوع شدید (Intensity) است، یعنی انتخاب مواردی که با توجه به سؤالات پژوهش دارای اطلاعات غنی هستند. بنوت و هانس (Benoot, Hanes & Bilsen, 2016) جهت تعیین نمونه مورد مطالعه، برخی خبرگان شناسایی شدند و پس از طی مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ایشان و به روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی؛ نمونه‌های مناسب دیگر شناسایی و مورد مصاحبه قرار گرفتند و تا حصول اشباع نظری با ۲۲ نفر از خبرگان ادامه یافت.

در پژوهش حاضر از روش «تحلیل مضمون (Thematic)» برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس تقسیم‌بندی بلوکات، شریفی و افکانه (۱۳۹۹) به شرح زیر است:

مرحله اول آشنایی با داده‌ها: محقق پس از گردآوری داده‌ها و مصاحبه‌ها، به طور مکرر به آنها مراجعه و داده‌ها را مطالعه کرده و نسبت به داده‌ها تسلط کافی پیدا کرده و به اصطلاح در داده‌ها غوطه‌ور شد.

مرحله دوم ایجاد کدهای اولیه: مرحله دوم زمانی شروع شد که محقق داده‌ها را خوانده و با آشنایی پیدا کرده است. این مرحله شامل ایجاد کدهای اولیه از داده‌ها بوده است. کدها

تحلیل عناصر هویت فرهنگی فردی ... (اکرم سلطان پور آشتینی و دیگران) ۹۷

یک ویژگی داده‌ها را معرفی می‌نمایند که مضمون خاصی را نمایندگی می‌کند. در این پژوهش پس از مطالعه داده‌ها ۱۴۴، کد اولیه استخراج گردید.

مرحله سوم ایجاد کدهای طبقه‌بندی شده: در این مرحله پس از دسته‌بندی کدهای اولیه پژوهش، ۷۴ کد طبقه‌بندی شده هم‌موضوع استخراج شد.

مرحله چهارم جستجوی مضامین: در این مرحله با دسته‌بندی کدهای هم‌موضوع در یک طبقه، ۱۲ دسته مفهومی در قالب ۴ محور استخراج شد که مضامین بالقوه محسوب می‌شدند.

مرحله پنجم بازبینی و نام‌گذاری مضامین: در این مرحله، از مجموع ۱۴۴ کد اولیه و ۷۴ کد طبقه‌بندی شده هم‌موضوع شکل گرفته، ۱۲ مضمون فرعی و ۴ مضمون اصلی شناسایی شد. در ادامه ۴ مضمون اصلی شناسایی شده را با کمک ادبیات برجسب‌گذاری کردیم.

مرحله ششم تهیه گزارش: مرحله ششم زمانی شروع شد که محقق مجموعه‌ای از مضمون‌های اصلی در اختیار داشته دارد. این مرحله شامل تحلیل پایانی و نگارش گزارش است.

با انجام مراحل مذکور و مطالعه مضمون‌های اصلی و فرعی و کدهای آنها، محقق به چهار ویژگی اصلی جغرافیا- زبان- نگرش فردی- ویژگیهای زیستی دست یافته است. برای روایی پژوهش حاضر، سعی شد تا شیوه مصاحبه‌ها شامل شروع مصاحبه، ورود به بحث و سیر پرسش‌ها، به گونه‌ای هدایت شود تا از پراکنده‌گویی جلوگیری شود. مصاحبه‌ها در دفتر کار افراد ترتیب داده شد. بیشتر زمان مصاحبه‌ها به شناسایی مفهوم، ابعاد و فرآیند ویژگی‌های هویت فرهنگی در قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی اختصاص یافت؛ برای سنجش سازگاری و پایایی پژوهش نیز از پایایی باز آزمون استفاده شده است. کدگذاری‌های مجدد توسط دو نفر از همکاران نیز صورت گرفت که اشتراک ۸۶ درصدی حاصل شد.

۵. یافته‌ها

در جداول (۱) تا (۴) اطلاعات مربوط به مضامین اصلی حاصل از مجموع مضامین فرعی و مضامین فرعی حاصل از کدهای هم‌موضوع منتج از کدهای اولیه؛ هر یک از کدهای طبقه‌بندی شده مستخرج از مضامین مصاحبه‌ها ارائه شده است.

جدول ۱. مضامین اصلی و فرعی حاصل از طبقه‌بندی موضوعی منتج از کدهای اولیه متغیر جغرافیا از هویت فردی - زمینه‌ای فرهنگی قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی (مأخذ: یافته‌های پژوهش)

مضامین اصلی	مضامین فرعی	کدهای هم‌موضوع منتج از کدهای اولیه	تعداد خبرگان
۴.۱.۱	۴.۱.۱.۱	سکونت مداوم در محیط بومی موجب تداوم ویژگی‌های قومیتی در ساکنین و در نتیجه پایداری هویت قومی آنها می‌شود.	۲۲
		فقط در مناطق ترک‌های آذربایجان ایرانی نشین می‌توان به راحتی به زبان ترکی صحبت کرد.	۱۹
		در مناطق غیر ترک‌های آذربایجان ایرانی نشین به دلیل مورد تمسخر قرار گرفتن توسط سایر اقوام خصوصاً فارسی‌زبانان، اکثر اقوام ترک‌های آذربایجان ایرانی از بیان محل تولد خود امتناع می‌ورزند.	۲۲
		هویت فرهنگی فرد ریشه در محل سکونت و خانواده وی دارد.	۱۹
		افراد بدلیل عادت کردن به زبان ترک‌های آذربایجان ایرانی با توجه به منطقه محل سکونتشان، با این فرهنگ عجین شده و ناخودآگاه قومیت این منطقه را بدست می‌آورند.	۲۰
		اقلیم جغرافیایی محل سکونت بر روحیه و رفتار افراد بسیار تأثیر می‌گذارد.	۱۸
		اقلیم جغرافیایی محل سکونت بر انتخاب شغل در آینده و پیشرفت افراد بسیار تأثیر می‌گذارد.	۱۷
		اقلیم جغرافیایی محل سکونت بر هویت فردی افراد بسیار تأثیر می‌گذارد.	۲۱
	۴.۱.۱.۲	هویت فرد از خانواده، قومیت و منطقه جغرافیایی محل تولد وی نشأت می‌گیرد.	۲۱
		هویت افراد در منطقه جغرافیایی خاص نشان دهنده هویت فرهنگی وی نیز می‌باشد.	۲۰
		در هر منطقه جغرافیایی، نوع خاصی از فرهنگ رشد می‌کند.	۲۲
		فرد ترک زبان ساکن تبریز، تلاش می‌کند تا با هم‌زبانان مناطق آذربایجان و ترکیه تشابه فرهنگی داشته باشد.	۱۹

یافته‌های حاصل از جدول (۱) نشان می‌دهد هویت فردی - زمینه‌ای فرهنگی قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی در مضمون اصلی «جغرافیا» شامل ۲ مضمون فرعی و ۱۲ کد حاصل از جملات مستخرج از مصاحبه با خبرگان می‌باشد که ۸ کد در یک طبقه و تحت‌عنوان مضمون فرعی «محل اقامت» و ۴ کد در یک طبقه و تحت عنوان مضمون فرعی

تحلیل عناصر هویت فرهنگی فردی ... (اکرم سلطان پور آشتینی و دیگران) ۹۹

«قومیت و موقعیت جغرافیایی» تحت عنوان مضمون اصلی «جغرافیا» شناسایی و تحلیل شد.

جدول ۲. مضامین اصلی و فرعی حاصل از طبقه‌بندی موضوعی منتج از کدهای اولیه متغیر زبان از هویت فردی - زمینه ای فرهنگی قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی (مأخذ: یافته‌های پژوهش)

مضامین اصلی	مضامین فرعی	کدهای هم موضوع منتج از کدهای اولیه	تعداد خبرگان
قومیت	زبان مادری	هویت زمینه ای فرد از زبان وی نشأت می گیرد که نهایتاً هویت فرهنگی وی را شکل می دهد.	۲۲
		عدم توجه به زبان مادری در خانواده، یکی از عوامل عدم پایداری و حفظ هویت فرهنگی قوم ترکهای آذربایجان ایرانی می باشد.	۲۰
		عدم آموزش زبان مادری به فرزندان، یکی از عوامل عدم پایداری و حفظ هویت فرهنگی قوم ترکهای آذربایجان ایرانی می باشد.	۱۹
		باید در جهت حفظ و پایداری هویت قوم ترکهای آذربایجان ایرانی، در خانواده این زبان به فرزندان آموزش داده شود.	۱۹
		با گذشت زمان آگاهی افراد از زبان قومی خود افزایش می یابد.	۲۰
		آگاهی بیشتر افراد از زبان قومی خود به آنان کمک می کند تا هویت فرهنگی خود را هر چه بیشتر ترویج دهند.	۱۹
		افراد باید زبان مادری خود را به خوبی بشناسند.	۲۰
		افراد باید با استفاده از زبان ملی، زبان مادری خود را به جهانیان عرضه کنند.	۱۹
		فرهنگ هر قوم وابسته به زبان آن قوم است.	۲۱
		زبان هر قوم باید در برابر زبان ملی به طور موازی و برابر توجه شود.	۲۰
	زبان گفتاری / نوشتاری	برای حفظ و پایداری فرهنگ ترکهای آذربایجان ایرانی باید زبان گفتاری آن را گسترش دهیم.	۲۲
		برای حفظ و پایداری فرهنگ ترکهای آذربایجان ایرانی پس از استفاده گفتاری از آن باید به زبان نوشتاری تجمیع کنیم.	۲۱
		با استفاده نوشتاری از زبان ترکهای آذربایجان ایرانی به راحتی می توانیم آن را به نسل های آینده عرضه نماییم.	۲۱
		زبان نوشتاری قوم ترک متأسفانه رواج پیدا نکرده است که باید به این مساله توجه نمود.	۲۱
	زبان جغرافیایی	افرادی که به ادبیات منطقه جغرافیایی محل تولد خود مسلط باشند، از طریق زبان به ترویج قومیت خود می پردازند.	۲۰
		افراد مسلط به زبان منطقه و خطه جغرافیایی محل تولد، فرهنگ قومیت ترکهای آذربایجان ایرانی را تبلیغ و ترویج می کنند.	۲۰

یافته‌های حاصل از جدول (۲) نشان می‌دهد هویت فردی - زمینه‌ای فرهنگی قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی در مضمون اصلی «زبان» شامل ۳ تم فرعی و ۱۶ کد حاصل از جملات مستخرج از مصاحبه با خبرگان می‌باشد که ۱۰ کد در یک طبقه و تحت عنوان مضمون فرعی «زبان مادری» و ۴ کد در یک طبقه و تحت عنوان مضمون فرعی «زبان گفتاری/نوشتاری» و ۲ کد در یک طبقه و تحت عنوان مضمون فرعی «زبان جغرافیایی» تحت عنوان مضمون اصلی «زبان» شناسایی و تحلیل شد.

جدول ۳. مضامین اصلی و فرعی حاصل از طبقه‌بندی موضوعی منتج از کدهای اولیه متغیر نگرش فردی از هویت فردی - زمینه‌ای فرهنگی قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی (مأخذ: یافته‌های پژوهش)

مضامین اصلی	مضامین فرعی	کدهای هم موضوع منتج از کدهای اولیه	تعداد خبرگان
نگرش فردی	نگرش اعتقادی	از دوران کودکی بسیاری از ویژگی‌های بارز قومی در باور افراد ترک زبان نهادینه شده است.	۱۹
		افکار نهادینه شده در باور ترک زبانان، به عنوان هویت قومی آنان به شمار می‌آیند.	۱۹
		حس علاقه و اشتیاق افراد به هویت قومی، آنها را ترغیب می‌کند به مطالعه و کسب آگاهی درباره هویت قوم خود بپردازند.	۲۱
		نوع رفتار فرد، هویت زمینه‌ای و قومی وی را نشان می‌دهد.	۲۰
		نوع نگرش افراد، هویت زمینه‌ای و قومی آنان را نشان می‌دهد.	۲۰
		چارچوب باورها و اعتقادات اقوام ترک متمایز از سایر اقوام می‌باشد.	۲۲
		عدم توجه به اخلاقیات در جامعه، موجب آسیب‌پذیری در هویت فرهنگی قومی می‌شود.	۱۸
	نگرش سیاسی	شرایط سیاسی بر تعصب قومی افراد قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی تأثیر زیادی می‌گذارد.	۲۱
		شرایط سیاسی بر پایداری هویت فرهنگی قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی تأثیر زیادی می‌گذارد.	۲۱
		حاکمیت دولت بر تعصب قومی افراد قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی تأثیر زیادی می‌گذارد.	۲۲
		حاکمیت دولت بر پایداری هویت فرهنگی قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی تأثیر زیادی می‌گذارد.	۲۲

تحلیل عناصر هویت فرهنگی فردی ... (اکرم سلطان‌پور آشتینی و دیگران) ۱۰۱

یافته‌های حاصل از جدول (۳) نشان می‌دهد هویت فردی - زمینه‌ای فرهنگی قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی در مضمون اصلی «نگرش فردی» شامل ۲ مضمون فرعی و ۱۱ کد حاصل از جملات مستخرج از مصاحبه با خبرگان می‌باشد که ۷ کد در یک طبقه و تحت عنوان مضمون فرعی «نگرش اعتقادی» و ۴ کد در یک طبقه و تحت عنوان مضمون فرعی «نگرش سیاسی» تحت عنوان مضمون اصلی «نگرش فردی» شناسایی و تحلیل شد.

جدول ۴. مضامین اصلی و فرعی حاصل از طبقه‌بندی موضوعی منتج از کدهای اولیه متغیر ویژگی‌های زیستی از هویت فردی - زمینه‌ای هویت فرهنگی قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی (مأخذ: یافته‌های پژوهش)

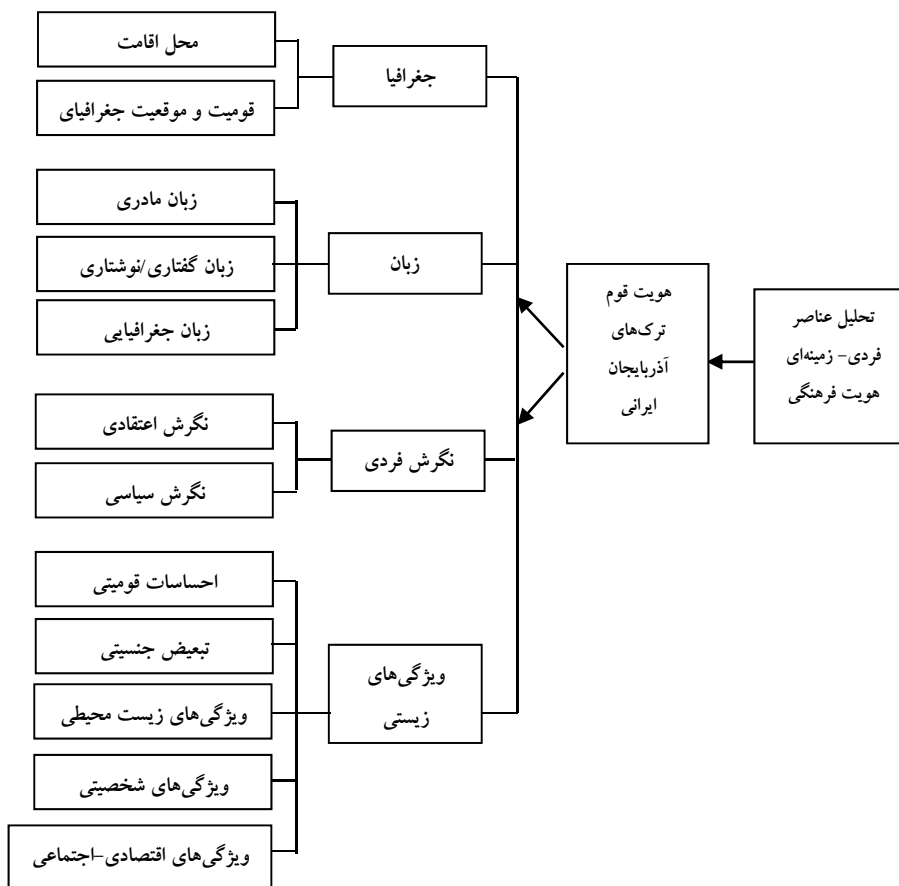
مضامین اصلی	مضامین فرعی	کدهای هم موضوع منتج از کدهای اولیه	تعداد خبرگان
ویژگی‌های زیستی	احساسات و هیجانات	هویت فرهنگی باید در موقعیت‌های مختلف در افراد درونی شود.	۲۱
		افراد باید جامعه‌پذیر شوند تا در هر شرایط زمانی و محیطی هویت فرهنگی خود را از دست ندهند.	۲۱
		حس مشارکت و پشتیبانی در همه امور احساسات قومیتی را بر می‌انگیزد.	۲۰
		تعصبات قومیتی باعث می‌شود افراد ترجیح دهند بیشتر با هم قومی‌های خود وصلت کنند.	۲۲
		تعصبات قومی افراد در حفظ و پایداری هویت قومی ایشان مؤثر است.	۲۲
		ویژگی‌های اخلاقی افراد در حفظ و پایداری هویت قومی ایشان مؤثر است.	۱۹
		آموزش‌های قومی مناسب در خانواده هویت زمینه‌ای را در مرحله نخست و سپس هویت فرهنگی وی را تشکیل می‌دهد.	۲۰
		با گذشت زمان، نسل جدید تعصبات قومی کمتری نشان می‌دهند.	۱۸
		با گذشت زمان، افراد به فرهنگ قومی خود افتخار زیادی نمی‌کنند.	۱۶
	تجربیات حسیتی	خانواده‌های ترک زبان به فرزندان ذکور اهمیت بیشتری می‌دهند.	۲۲
		دیدگاه مردسالارانه در اکثر اقوام ترک محسوس است.	۲۱
		زنان ترک‌های آذربایجان ایرانی از نظر پوشش محدودیت‌های چشمگیری دارند.	۲۲
		زنان ترک‌های آذربایجان ایرانی از نظر مسائل رفتاری محدودیت‌های چشمگیری دارند.	۲۲
	زیست‌محیط‌ها	محیط جغرافیایی بر نوع گفتار و رفتار افراد تأثیر می‌گذارد.	۲۲
		محیط جغرافیایی بر رفتار افراد تأثیر می‌گذارد.	۲۱
		در محیط‌های کوهستانی چون تبریز، افراد خشونت کلامی و رفتاری بیشتری دارند.	۲۱

		مناطق ترکهای آذربایجان ایرانی زبان از نظر شرایط اجتماعی دارای امکانات متوسطی هستند.	۲۰
		مناطق ترکهای آذربایجان ایرانی زبان از نظر شرایط آموزشی امکانات متوسطی دارند.	۱۹
ویژگی های شخصیتی		ویژگی شخصیتی افراد اقوام ترکهای آذربایجان ایرانی اغلب تندخویی و خشونت ایشان می باشد.	۲۱
		افراد قوم ترکهای آذربایجان ایرانی عمدتاً رازداری بیشتری دارند.	۲۰
		احترام به والدین و افراد مسن تر، از خصایص بارز اقوام ترکهای آذربایجان ایرانی است.	۲۱
		افراد قوم ترکهای آذربایجان ایرانی ترجیح می دهند با والدین خود در یک خانه ساکن باشند (خانواده دوست هستند).	۲۱
		اولاد پسر در اقوام ترک مستقل بار می آیند.	۱۹
		فرزندان ذکور اقوام ترک از سنین پائین دارای استقلال مالی هستند.	۱۹
		فرزندان پسر خانواده می توانند در نبود پدر سرپرستی خانواده را بر عهده گیرند.	۱۹
		درون‌گرا بودن و زودرنجی اقوام ترک نسبتاً بیشتر از سایر اقوام می باشد.	۲۰
		رسمی بودن اقوام ترک نسبتاً بیشتر از سایر اقوام می باشد که مانع از سازگاری ایشان با محیط های ناآشنا می شود.	۲۱
		اقوم ترک، تلاشگر بوده و پشتکاری بیشتری نسبت به سایر اقوام دارند.	۲۱
		خودباوری و خودارزشگذاری از ویژگی هایی است که بر تداوم هویت فرهنگی افراد اثر می گذارد.	۲۲
		صداقت و سادگی اقوام ترکهای آذربایجان ایرانی اغلب توسط سایر اقوام مورد تمسخر قرار می گیرد.	۲۱
		وجود حس تعلق خاطر در افراد نسبت به قوم و مکانی که در آن سکونت دارند، اهمیت زیادی در پایداری هویتی ایشان دارد.	۲۱
	ویژگی های اقتصادی - اجتماعی		مشاغل افراد، به طور غیر مستقیم هویت قومی ایشان را تداوم می بخشد. مثال: جاجیم بافی، باغداری و...
		مسائل اقتصادی در حال حاضر مهمترین عامل تکوین هویت قومی و فرهنگی جامعه می باشد.	۲۱
		مسائل اقتصادی در حال حاضر مهمترین عامل ثبات هویت قومی و فرهنگی جامعه می باشد.	۲۱
		به جز در مشاغل ارتباطی، افراد ترک زبان در اکثر مشاغل حرفه ای بوده و تخصص و مهارت کافی دارند.	۲۰

یافته‌های حاصل از جدول (۴) نشان می‌دهد هویت فردی - زمینه‌ای فرهنگی قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی در مضمون اصلی «ویژگیهای زیستی» شامل ۵ مضمون فرعی و

تحلیل عناصر هویت فرهنگی فردی ... (اکرم سلطان پور آشتینی و دیگران) ۱۰۳

۳۵ کد حاصل از جملات مستخرج از مصاحبه با خبرگان می باشد که ۹ کد در یک طبقه و تحت عنوان مضمون فرعی «احساسات قومیتی» و ۴ کد در یک طبقه و تحت عنوان مضمون فرعی «تبعیض جنسیتی» و ۵ کد در یک طبقه و تحت عنوان مضمون فرعی «ویژگی های زیست محیطی» و ۱۳ کد در یک طبقه و تحت عنوان مضمون فرعی «ویژگی های شخصیتی» و ۴ کد در یک طبقه و تحت عنوان مضمون فرعی «ویژگی های اقتصادی/اجتماعی» تحت عنوان مضمون اصلی «ویژگیهای زیستی» شناسایی و تحلیل شد. چهارچوب تحلیل عناصر فردی- زمینه‌ای هویت فرهنگی قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی:



شکل ۱. چهارچوب عناصر فردی- زمینه‌ای هویت فرهنگی قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی (ماخذ: برگرفته از یافته‌های پژوهش)

۶. تحلیل یافته‌ها

پس از مطالعه مصاحبه‌ها و طبقه‌بندی و تحلیل مضمون؛ چهار ویژگی اصلی جغرافیا-زبان-نگرش فردی و ویژگی‌های زیستی از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان که همگی دارای عقبه ترک‌های آذربایجان ایرانی بودند؛ به عنوان عناصر فرهنگی فردی-زمینه‌ای هویت قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی شناسایی شد. با توجه به اینکه اولین ویژگی تشکیل یک قوم، سکونت در کنار یکدیگر در یک اقلیم است، در نتیجه اولین و مهم‌ترین ویژگی در تشکیل هویت یک قوم را نظریه‌پردازان و محققان پیشین «منطقه جغرافیایی و محل سکونت» افراد آن قوم ذکر کرده‌اند. نتایج حاصل از مصاحبه با قومیت ترک‌زبان در پژوهش حاضر نیز نشان داد که یکی از مهمترین عناصر هویت فرهنگی فردی-زمینه‌ای در تکوین و پایداری هویت قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی، همانا منطقه جغرافیایی شامل محل اقامت و موقعیت جغرافیایی می‌باشد. در حقیقت یک فرد بدون داشتن زندگی جمعی درون یک گروه، هویتی کسب نمی‌کند. در نتیجه هویت فرد از دل خانواده، منطقه جغرافیایی محل تولد و قومیتی که در آن رشد می‌یابد، شکل می‌گیرد. با توجه به این نظر که در هر منطقه جغرافیایی، یک نوع خاصی از فرهنگ رشد می‌کند، در نتیجه اقلیم جغرافیایی بر زبان ارتباطی، روحیه و رفتار افراد، انتخاب شغل و بسیاری از عوامل دیگر زندگی افراد تاثیر به‌سزایی می‌گذارد. بنابراین محل اقامت به دلیل زندگی گروهی قومیت ترک‌های آذربایجان ایرانی در یک منطقه موجب شکل‌گیری هویت قومی در بخش فرهنگی فردی-زمینه‌ای می‌شود. از جمع‌بندی نظر مصاحبه‌شوندگان چنین برداشت می‌شود که جغرافیا سنگ‌بنای هویت فرهنگی فردی-زمینه‌ای هویت قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی می‌باشد.

اما در کنار عامل جغرافیا، عناصر فرهنگی دیگری نظیر نگرش فردی و ویژگی‌های زیستی و زبان در تداوم و پایداری هویت فرهنگی فردی-زمینه‌ای قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی دخیل می‌باشند. نگرش فردی افراد قومیت ترک‌های آذربایجان ایرانی بالاخص در اعتقادات و مسائل سیاسی یکی از مهمترین شاخص‌هایی بود که مصاحبه‌شوندگان ترک‌های آذربایجان ایرانی زبان به آنها اشاره نمودند. با توجه به اینکه بسیاری از ویژگی‌های بارز قومی در دوران کودکی در باور افراد قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی نهادینه می‌شود، در نتیجه اعتقادات و نگرش فردی افراد این قوم، یکی از پایه‌های اصلی هویت فرهنگی

فردی - زمینه‌ای آنها را شکل می‌دهد. با توجه به ریشه‌دار بودن قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی در کشور و عقبه تاریخی این قوم، با کسب آگاهی و مطالعه در خصوص ویژگی‌های اعتقادی و سیاسی؛ نگرش فردی و تعصب قومی در ترک‌های آذربایجان ایرانی‌زبانان درونی می‌گردد که با تلفیق این نگرش با ویژگی‌های شخصیتی و احساسات قومی، در نتیجه هویت فرهنگی فردی - زمینه‌ای خویش را تثبیت می‌کنند. حرفه و شغل نیز یکی دیگر از این ویژگی‌ها در تداوم هویت فرهنگی فردی - زمینه‌ای قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی توسط مصاحبه‌شوندگان مورد توجه قرار گرفت. اما هر یک از این سه ویژگی جغرافیا، نگرش و ویژگی‌های زیستی از طریق کنش‌های ارتباطی که از طریق «زبان» در درون گروه‌جمعی اتفاق می‌افتد، می‌توانند موجب پایداری هویت فرهنگی فردی - زمینه‌ای هویت قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی گردند. با استفاده از زبان می‌توان هویت فرهنگی قوم را هرچه بیشتر ترویج داد. مصاحبه‌شوندگان متفق‌القول معتقد بودند که برای پایداری هویت فرهنگی قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی اصلی‌ترین عامل، زبان می‌باشد. فرهنگ هر قوم وابسته به زبان آن قوم است که در برابر زبان ملی باید به آن به طور موازی و برابر توجه شود. افرادی که به ادبیات مسلط باشند، زبان منطقه و خطه جغرافیایی مورد نظر را به‌خوبی می‌آموزند و از آن در ترویج قومیت فرهنگی ترک بهره می‌برند. زبان مادری و تعصب به آن در همه قومیت‌ها بالاخص در قومیت ترک‌های آذربایجان ایرانی بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد.

۷. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل عناصر هویت فرهنگی فردی - زمینه‌ای در تکوین هویت ترک‌های آذربایجان ایرانی صورت گرفته است. با توجه به اینکه تکوین و پایداری هویت فرهنگی در یک قوم دارای عقبه تاریخی می‌باشد؛ در نتیجه مقاله حاضر به‌صورت کیفی و یافته‌های آن با تحلیل مصاحبه نیمه ساختاریافته از خبرگان فرهنگی ترک‌های آذربایجان ایرانی ساکن در شهر تهران و مراکز استان‌های ترک زبان تا رسیدن به اشباع صورت گرفت. پس از مطالعه و طبقه‌بندی و کدبندی و برچسب زدن به مضامین و نکات مطروح توسط مصاحبه‌شوندگان با استفاده از روش تحلیل مضمونی؛ عناصر هویت فرهنگی فردی - زمینه‌ای در قالب چهار مضمون اصلی جغرافیا - زبان - نگرش فردی و

ویژگیهای زیستی در ۱۲ مضمون فرعی مستخرج از ۷۴ کد طبقه‌بندی شده از دل جملات ذکر شده توسط خبرگان شناسایی شدند. با توجه به اینکه قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی یکی از قوم‌های مطرح کشور می‌باشد و شکل‌گیری، تکوین و پایداری آن در عناصر هویتی و فرهنگی موجبات کمک به حفظ انسجام و وحدت ملی در ادوار مختلف شده است؛ لذا توجه و شناسایی عمده‌ترین عناصر فردی-زمینه‌ای و نیز عناصر جمعی هویت فرهنگی در تکوین و پایداری این قوم از مهمترین دغدغه‌های محققان قومیت و جامعه‌شناسان بوده است. در مطالعات مختلف عناصر هویت فرهنگی در بین قومیت‌های مختلف بالاخص قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی در بعد جمعی با توجه به پیشینه تاریخی قوی‌ای که دارند بارها مورد مطالعه قرار گرفته و زبان، دیانت، جغرافیای فرهنگی، تاریخ فرهنگی و الگوهای نقش به عنوان عمده‌ترین عناصر هویت فرهنگی قلمداد شده‌اند. اما همین عناصر قبل از اینکه به عنوان ویژگی‌های هویت فرهنگی جمعی معرفی شوند؛ لازم می‌بود ابتدا در درون خود فرد و خانواده و قومیت خاص درونی شده و به عنوان عناصر فردی - زمینه‌ای هویت فرهنگی مورد تایید واقع می‌شدند و به نوعی موجب تکوین قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی در منطقه اسکان‌شان شوند. از نظر تقدم زمانی در نظر بگیریم؛ اولین عامل جغرافیا است که به نوعی فرد ناخواسته درون یک گروه با ویژگی‌های مختص و در یک مکان خاص متولد می‌شود. در نتیجه اولین عنصر فردی - زمینه‌ای هویت فرهنگی یک قوم «جغرافیا» می‌باشد؛ ولی در کنار این عنصر، عامل مهم‌تری که موجب قرابت بیشتر یک قوم در بعد فرهنگی می‌شود، «زبان» است که به گفته بسیاری از نظریه پردازان؛ مهمترین عنصر فرهنگی فردی-زمینه‌ای تداوم و پایداری یک قومیت همانا زبان می‌باشد. با گذشت زمان، قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی مقوله زبان را برجسته‌ترین عامل تمایز خود با سایر قومها دانسته و آن را مایه افتخار خود دانسته‌اند. نتایج تحقیقات پیشین و همچنین نظر مصاحبه‌شوندگان این امر را تصدیق میکنند. در واقع؛ هر جغرافیایی که امکان زیست و سکونت در آن فراهم است، دارای ویژگی‌هایی از جمله زبان می‌باشد؛ و بهره‌مندی از زبان، نیازمند بکارگیری از آن در قالب گفتار و نوشتار است و بر اساس یافته‌های به دست آمده امکان بهره‌مندی از گفتگوی آسان به زبانی غیر از زبان ملی، منوط به حضور در خاستگاه‌های آن زبان در جغرافیای خاص خود می‌باشد. با توجه به یافته‌های پژوهش نیز مصاحبه‌شوندگان به طور قابل تاملی، امکان گفتگوی مستمر به زبان ترکی را در شهرهای ترک زبان امکان‌پذیر و حتی

تحلیل عناصر هویت فرهنگی فردی ... (اکرم سلطان‌پور آشتینی و دیگران) ۱۰۷

لازم می‌دانستند. در حقیقت می‌توان به ضرورت رفت و برگشتی بودن بین جغرافیا و زبان پی‌برد.

در نتیجه توجه به محیط جغرافیایی به عنوان عنصر زیربنایی و زبان مادری به عنوان عنصر اصلی در کنار اعتقادات و مسائل سیاسی و ویژگیهای زیستی در بعد فردی - زمینه‌ای افراد قوم ترک‌های آذربایجان ایرانی، موجب تکوین گشته و تداوم توجه به آنها موجب پایداری آن شده است.

پی‌نوشت

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی گرایش جامعه‌شناسی فرهنگی تحت عنوان مطالعه تکوین و پایداری هویت فرهنگی آذری در استان های آذری نشین می باشد.

کتاب‌نامه

- آشنا، حسام‌الدین و روحانی، محمدرضا. (۱۳۸۹). هویت فرهنگی ایرانیان: از رویکردهای نظری تا مولفه‌های بنیادی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، شماره ۴، صص ۱۸۵-۱۵۷.
- آل احمد، جلال. (۱۳۹۵). در خدمت و خیانت روشنفکران. قم: انتشارات پیرامید.
- اسمیت، آنتونی. (۱۳۸۳). ناسیونالیسم، نظریه ایدئولوژی تاریخ، ترجمه منصور انصاری، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- بلوکات، مهدی‌رجب، شریفی، سید مهدی و افکانه، محمد. (۱۳۹۹). شناسایی شایستگی‌های مدیران صنایع خلاق (مورد مطالعه: خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران)، فصلنامه مطالعات مدیریت دولتی ایران، سال سوم، شماره ۲، صص ۱۳۰-۱۰۹.
- جنکینز، ریچارد دین. (۱۳۹۱). هویت اجتماعی، ترجمه تورج باراحمدی، تهران: نشر پردیس دانش، چاپ دوم.
- سیدامامی، کاووس. (۱۳۸۷). هویت‌های قومی از کجا برمی‌خیزند: مروری بر نظریه‌های اصلی، فصلنامه خط اول، سال دوم، شماره ۷، صص ۳۲-۱۵.
- صالحی امیری، سیدرضا. (۱۳۸۶). مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی، تهران: ققنوس.
- صنیع اجلال، مریم. (۱۳۸۴). درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی، تهران: تمدن ایرانی (وابسته به موسسه مطالعات ملی)، چاپ اول.

- طالبی، ابوتراب و عیوضی، یاور. (۱۳۹۲). هویت طلبی قومی در فضای مجازی، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۶، صص ۱۷۲-۱۳۵.
- عبدالمطلب، عبدالله. (۱۳۹۵). بررسی میزان توجه به مؤلفه های هویت قومی و ملی بین دانشجویان کرد و ترکهای آذربایجان ایرانی در دانشگاه های تهران، پژوهش های راهبردی سیاست، ۴ (۱۶ پیاپی ۴۶)، صص ۶۶-۳۹.
- کریمی مله، علی. (۱۳۸۸). پیش بینی تحولات قومی در ایران، همایش آینده شناسی هویت های جمعی در ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع.
- کریمی، علی. (۱۳۸۷). مدیریت سیاسی در جوامع چندفرهنگی، تهران: مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهشها.
- کوش، دنی. (۱۳۸۱). مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی، ترجمه ی فریدون وحید، تهران: انتشارات سروش، چاپ اول.
- گل محمدی، احمد. (۱۳۸۳). جهانی شدن، فرهنگ، هویت، تهران: نی، چاپ دوم.
- گل محمدی، احمد. (۱۳۸۰). جهانی شدن و بحران هویت، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۲۰-۱۴.
- گیدنز، آتونی. (۱۳۹۷). پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز، چاپ هشتم.
- محسنی، منوچهر. (۱۳۸۶). جامعه شناسی جامعه اطلاعاتی، تهران: دیدآور، چاپ دوم.
- محسنی، نیک چهره. (۱۳۸۵). ادراک خود از کودکی تا بزرگسالی، تهران: انتشارات بعثت، چاپ سوم.
- مرادی، علیرضا. (۱۳۹۴). هویت فرهنگی اقوام ایرانی و تاثیر آن بر هویت ملی و انسجام ملی ایرانیان، مهندسی فرهنگی، سال نهم، شماره ۸۴، صص ۱۴۴-۱۲۸.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۶). خدمات متقابل اسلام و ایران. تهران: انتشارات صدرا.
- میری، سیدجواد. (۱۳۹۹). تأملی درباره ایران واکاوی هویت، ملیت و ایرانیت و سیاست‌گذاری‌های زبانی (چاپ دوم). تهران: انتشارات نقد فرهنگ.
- میری، سیدجواد. (۱۳۹۹). ایران در پنج روایت؛ بازخوانی روایت‌های شریعتی، آل احمد، مطهری، زرین کوب و مسکوب درباره هویت ملی، تنوع زبانی، زبان مادری و مسأله زبان ترکی در ایران. (چاپ دوم). تهران: نشر نقد فرهنگ.
- همرنگ، ناصر. (۱۳۹۵). این زبان مقولی نیست. روزنامه شرق، شماره ۲۶۷۶، هفدهم شهریور ۱۳۹۵.

- Balasubramanian, P.A. (2018). *Basics of cultural geography*. Centre for Advanced Studies in Earth Science, University of Mysore, Mysore-6, India.
- Benoot, Ch., Hannes, K., & Bilsen, J. (2016). The use of purposeful sampling in a qualitative evidence synthesis: A worked example on sexual adjustment to a cancer trajectory. *BMC Medical Research Methodology*, 16(1), 21.
- Davis, A. (2017). It Wasn't Me, It Was My Festival Me: The effect of event stimuli on attendee identity formation. *Tourism Management*, 61, 484-500.
- Hassen, R. (2016). Language as an Index of Identity, Power, Solidarity and Sentiment in the Multicultural Community of Wollo. *J Socialomics*, 5, 174.
- Jameson, D.A. (2007). Reconceptualizing cultural identity and its role in intercultural business communication. *Journal of Business Communication*, 44(3), 199-235.
- Kim, Y.Y. (2002). Unum vs. pluribus: Ideology and differing academic conceptions of ethnic identification. In W.B. Gudykunst (Ed.). *Communication yearbook*, 26, 298- 325.
- Onyeka Chukwu, E.P. (2019). *Establishing the symbiosis between cultural globalization and the extinction of Nigerian cultural values*. A paper to be presented at the 3rd international conference of the World Bank development research group, Theme: Globalization: contents and discontents value: Kuala Lumpur, Malaysia, 16 January 2019.
- Owen, C. (2011). *Language and cultural identity: Perceptions of the role of language in the construction of Aboriginal identities*. A thesis submitted to the Faculty of Graduate and Postdoctoral Affairs in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Arts in Applied Linguistics and Discourse Studies, Carleton University Ottawa, Ontario.